

## نهادینگی دانش در معماری و شهرسازی: نسبت حکمت اسلامی با مباحث بومی و به‌روزرسانی

محمود رضایی

گروه معماری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: mahmud.rezaei@iaau.ac.ir

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۵/۰۱ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۳/۰۳/۱۱

### چکیده

از مسائل ضروری فراگیری در ایران دریافت و اعمال پیوند معنادار میان یادگیری‌های طراحی‌محور مانند معماری و شهرسازی که دارای دروس کارگاهی و آتلیه هستند - به‌ویژه در دانشگاه - با رویکردهای اسلامی‌سازی از جمله «حکمی»، «بومی» و «به‌روز»‌سازی مصوبه شورای تحول انقلاب فرهنگی است. هدف این مقاله یافتن معنای حکمی‌سازی موثر در دروس این دانشکده‌ها است که میان علوم دقیقه و انسانی فعالیت دارند. روش پژوهش فراترکیب با مصاحبه عمیق و اشباع نظری است. ابتدا متون مرتبط با «نهادینگی دانش» همچنین «تجارب آموزش این رشته‌ها» از دهه پنجاه میلادی در جهان بررسی و راهبردهایی در کشورهای مختلف پیشرفته استخراج شده‌است. مطابق با سه هدف شورای مذکور، مطالب کدبندی و با مشارکت استادان و دانشجویان به اشباع نظری رسیده‌است. مشخص شده که در جهان رویکردهای مشابه گسترش یافته‌است. برای نیل به آن‌ها، «نهادینگی دانش» حیاتی است که به کمک «آتلیه» در این دست مدارس تسریع می‌شود. پیوند میان دروس، دروس با حرفه، جامعه و علم جهانی، در بازنگری سرفصل از اولویت‌هاست. همچنین نسبت این سه چنین معین می‌شود که پیوند «حکمی‌سازی» با نقش اجتماعی طراح، «بومی‌گرایی» با تلفیق آتلیه با جامعه، «روزآمدی» با همکاری بین طراحان و سایر حرفه‌ها، استفاده از فناوری روز، نشر متون، و تأسیس مراکز پژوهشی بیشتر است. حکمی‌سازی موثر، مفهومی است که اهداف بومی و به‌روزرسانی را دربرمی‌گیرد. در مقاله، ایده نهادینگی دانش در قالب نظام آتلیه‌ای، نشست‌های برنامه‌ریزی شده، بهره‌گیری از مکتوبات اساتید، رویکردهای مهارتی دروس در قالب سرفصل پیشنهاد شده‌است. از یافته‌های پژوهش این است که هدف از سه رویکرد حکمی، بومی، و به‌روزرسانی در امر آموزش باید مرجعیت یا «نهادینگی دانش» یعنی تولید، نشر، تبادل دانش باشد به شرطی که سبب تغییر و بهبود سیاست‌های اجتماع و شرایط موجود شود. همچنین «نهادینگی دانش» در مدارس معماری و شهرسازی با نظام آتلیه مشارکتی، به طور موثرتری به انجام خواهد رسید.

**واژگان کلیدی:** آموزش و نظام یادگیری مشارکتی، نهادینگی دانش، حکمی بومی و به‌روزرسانی، سرفصل دروس، معماری و شهرسازی.

## ۱. مقدمه

در راستای تأمین سه هدف حکمی، بومی، و به‌روزسازی در بازنگری برنامه‌های درسی و معرفی منابع به‌روز، این پرسش مطرح می‌شود که در برنامه دروس طراحی‌محور و سازمان‌بخش فضا چه طور می‌توان این مفهوم را عملی ساخت؟ چگونه می‌توان به رعایت بیشتر جنبه‌های آیینی-میهنی (حکمی‌سازی) در عمل در این نوع برنامه‌های آموزشی پرداخت؟ حتی سرفصل‌های مشابه که مکرر بازنگری شده‌اند، اهداف مشابهی را ذکر کرده و در دستیابی آنها کیفیت‌های نسبی لازم را شاملند. اما درخواست‌های بررسی مجدد، نشان از اولویت و تداوم دارد. اصل هدف چنین درخواست‌هایی، همراستا شدن با منویات مقام معظم رهبری در بند دوم و پنجم سیاست‌های ابلاغی علم و فناوری و راهبرد سوم از فصل هفتم سند اسلامی‌شدن دانشگاه‌ها یعنی «افزایش تأثیر اجتماعی دانشگاه و نقش آن در حل مسائل و مشکلات کشور» است. پس هدف حکمی‌سازی افزایش کارایی دانشگاه‌ها در جهت تغییر و بهبود سیاست‌های اجتماع یا همان «نهادینگی دانش» است. با توجه به اینکه هسته اصلی معماری و شهرسازی در کنار پژوهش، طراحی است و این نوع از دانش میان علوم دقیقه، هنر، و علوم اجتماعی قرار دارد، پس فرآیند روش‌های آموزش، پژوهش، و ارزیابی خاص خود را می‌طلبد. از همین رو ضرورت دارد تا مسئله در کنار سایر رشته‌ها در این نوع دانش میانی با تمایزهای اصلیش بررسی شود. بنابراین پرسش دقیق‌تر این است که افزایش تأثیر یادگیری برنامه‌های مدون در چنین دانشکده‌هایی چگونه می‌تواند متناسب با حکمی، بومی، و به‌روزشدن تفسیر شده و در حل مشکلات مربوطه کشور عمل کند؟ این سه هدف چه نسبتی با هم و با آموزش‌های طراحی‌محور دارند؟ تمایز ذاتی آموزش در این رشته‌ها در چیست؟ راهبردهای دانشکده‌های جهانی مشابه در این خصوص چه بوده است؟ راهبردها برای دانشکده‌های ما چیست و در سرفصل دروس این رشته‌ها جهت حکمی، بومی، و به‌روزسازی موثرترین اقدام چیست؟ سیاست‌های ستاد و شوراهای انقلاب فرهنگی، رویکرد اسلامی و حکمی‌سازی دروس، بازنگری‌های وزارت علوم، اصلاحات گروه‌های مختلف آموزشی دانشکده‌ها، و نقد پژوهشگران گوناگون در ایران توجه به برنامه یا «سرفصل دروس» را که حاوی اطلاعات اساسی درس و مسیر استاد و دانشجو است برای رفع یا کاهش مشکلات جامعه مدنظر قرار داده است (نقره‌کار و معین‌مهر ۱۳۹۹)؛ ولی درباره رشته‌های طراحی‌محور و دانش‌های سازماندهی فضای کالبدی مانند معماری و طراحی شهری که میان رشته‌های علوم انسانی، اجتماعی، هنر، و مهندسی قرار دارند، توجه درخور نشده است. در این و سایر رشته‌ها نیز تا

کنون این رویکردهای حکمی، بومی، و به‌روزسازی از منظر «نهادینگی دانش» نگریسته نشده که از دهه ۱۹۹۰ در جهان شدت گرفته است (هارت<sup>۱</sup> و دیگران ۲۰۱۳). همچنین در پژوهش‌های صورت گرفته با وجود متن صریح قرآن در تأکید بر ابعاد عملی-رفتاری حکمت، «رویکرد حکمی‌سازی» در ایران بیشتر ارسطویی، دینی، و نظری دیده شده و رنگ و بویی القایی داشته و تا کنون کمتر آن را به صورت جهادی یا راه حل مشخص در «کار بست در جامعه» ارائه کرده‌اند (خسروپناه ۱۳۹۰). در این پژوهش، جهت رسیدن به پاسخی معتبرتر به پرسش‌های پژوهش با روش فراترکیب افزون بر مرور تجارب جهانی، مصاحبه عمیق از اساتید مجرب و دانشجویان ممتاز، انجام شده است. بررسی اولیه نشان داد که سرفصل مورد پژوهش به صورت منسجم و غنی از منابع تنظیم شده و دارای قابلیت‌های نسبی قابل قبول و کاربردی در سه زمینه بومی، حکمی، و به‌روزسازی است. ولی آنچه در بالتدگی ارزش‌های آیینی و میهنی (حکمی‌سازی) در عمل اولویت دارد توجه به «نهادینگی دانش» است که در رشته طراحی شهری، معماری، و سایر رشته‌های طراحی‌محور مشابه با تقویت پیوندها در آتلیه‌های طراحی قابل حصول است. پیوند منسجم آتلیه‌ها با هم و با جامعه، سازمان‌ها و مردم است که «نهادینگی دانش» را مهیا می‌سازد. هر چه شبکه‌های مرتبط و دقیق‌تری در مسئله پژوهشی دخیل شوند، پژوهش به جامعه پیوند قوی‌تری خواهد خورد. یعنی «در بازنگری سرفصل‌ها با هدف حکمی‌سازی، اولویت اصلی پیوند میان دروس، دانشجویان، اساتید و میان پژوهش‌های ناشی از آنها با حرفه، جامعه و علم جهانی است.» بنابراین شیوه انتخاب استاد و دانشجو، سبک تدریس، نحوه ارائه دروس، رویکرد و مدیریت آموزشی واحدها (الزامی، جبرانی، اختیاری) در کارایی سرفصل مدون موثر است. پیشنهاد می‌شود رواج نظام آتلیه‌ای در رشته‌های طراحی با جلسه توانمندسازی اساتید با این نحوه آموزش در دست اقدام قرار گیرد و پیوند اجتماعی و نخبگان دانشگاهی در قالب نشست‌هایی فراگیر در تمام سطوح دانشگاهی (پایین به بالا مانند گروه‌های آموزشی و بالا به پایین مانند کرسی‌های سرفصل) صورت گرفته و خروجی آن در سرفصل قرار گیرد. استفاده از تولیدات دانشی اساتید و دانشجویان کلیه دانشگاه‌ها، پژوهش‌های اشتراکی میان دانشگاه و صنعت به صورت پویا و دور از جانبداری از یک یا چند گروه خواص می‌تواند در سرفصل وزارت علوم یا برنامه‌های سالانه دانشکده‌ها قرار گیرد. همچنین بهره‌گیری از اندوخته‌های هر نیمسال در جامعه و نیمسال بعدی مستند و مورد استفاده باشد. بازنگری سبک آموزش، مدیریت ارائه درس توسط گروه و نیز رویکرد تدریس استاد در دروس

برگزاری مراسم، اردو، تربیت و جذب اساتید، تقویت پیوند حوزه و دانشگاه، تدوین کتب صورت گرفت ولی موفقیت اقدامات در راستای اسلامی‌سازی فاقد کیفیت لازم بوده و عملیات آن در افکار کنشگران دانشگاهی جایگاه مناسبی نداشته است (هاشم‌زهی و میرزا ۱۳۹۲). براساس این نقدها، سند دانشگاه اسلامی تیر ۱۳۹۲ در نه فصل با پیشبرد سند پیشین (مورخ ۱۳۷۷) در افق چشم‌انداز ۱۴۰۴ به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی رسید. راهبردهایی مثل ساماندهی نظام موضوعات پژوهش، تجاری‌سازی، قطب‌های علمی، مرجعیت علمی کشور، حل مسائل کشور (احمدی‌نژاد ۱۳۹۲) در راستای نهادینگی دانش در این سند به منظور پیوند دانش با عمل بارز است.

از سوی دیگر، ارتباط دانشگاه با صنعت یا جامعه از ابتدا تأسیس دانشگاه‌ها در ایران تا ۱۳۴۰ غیررسمی و موردی بوده و بعضی سازمان‌ها برای تأمین نیروی انسانی خود مؤسسه‌های آموزشی تأسیس می‌کردند. از ۱۳۴۰ تا ۱۳۶۱ این ارتباط با «کارآموزی» یا تعامل مبتنی بر آموزش به صورت توافقی تقویت می‌شود. به ویژه بین سال‌های ۱۳۶۱ تا ۱۳۷۴ ستاد و شوراهای انقلاب فرهنگی با تأسیس «دفتر» ارتباط با صنعت در وزارتخانه‌ها و دانشگاه‌های بیشتر فنی و مهندسی متولی این ارتباط بوده‌اند که همچنان ادامه دارد. سیاست «توسعه فناوری» بین سال ۱۳۷۴ تا ۱۳۸۱ و با تأسیس «شهرک‌های علمی-فناوری» و «پارک‌های رشد» از ۱۳۷۹ رواج یافت. از سال ۱۳۸۷ نیز «کانون»های هماهنگی دانش، صنعت و بازار با مدل نهاد میانجی شکل گرفت (محمدحاشمی ۱۳۹۶، ۸۰).

پژوهش‌های داخلی متعددی در رابطه با این موضوع انجام شده که از آن جمله می‌توان به مدلی برای طراحی آموزش معماری مشارکتی در خصوص کاستن از فاصله آکادمیک و بازارحرفه‌ای اشاره کرد. آتلیه مشارکتی در مقایسه با آموزش سنتی باعث کم شدن فاصله میان آموزش و جامعه، ارتقای کارآمدی آموزش آکادمیک طراحی معماری، آماده‌سازی یادگیرنده برای زندگی شغلی و اجتماعی، تقویت حس مسئولیت‌پذیری و تعهد نسبت به محیط اطراف، عینیت‌گرایی در آموزش، آغاز آموزش با توصیف مسائل روزمره و رسیدن به فهم دقیق واقعیات جامعه می‌شود (لعل‌بخش، قبادیان، و عزیزی ۱۳۹۷). در طراحی شهری مشارکتی، آرا و نظریات کارشناسان و مردمی که از یک فضای شهری استفاده می‌کنند می‌تواند متفاوت، هماهنگ، و گاهی متناقض باشد. بنابراین آنچه در این میان مهم است حق بیان خویشتن توسط تمامی کاربران و کنشگران یک فضای شهری است و کارشناس همچون یک کاتالیزور می‌تواند این فرآیند را تسریع و تسهیل نماید. آگاهی‌بخشی عمومی، کارگاه‌های طراحی

الزامی، اختیاری و جبرانی همراه با پیشنهاد منابع در برنامه درسی توصیه می‌شود. در ادامه نخست پیشینه و چارچوب نظری پژوهش از سه منظر حکمی، بومی، و به‌روزسازی مرور می‌شود. سپس با توضیح روش پژوهش به یافته‌ها و تحلیل پرداخته خواهد شد. سرانجام نتایج و پیشنهادات در راستای اهداف جمع‌بندی می‌شود.

## ۲. پیشینه پژوهش

هر چند «نهادینگی دانش» به معنی پر کردن خلأ بین نظر (دانشگاه) و عمل (جامعه) در کنار عناوینی مثل علم‌سنجی، تحقیق و توسعه، ارتباطات راهبردی، مدیریت دانش، ترجمان دانش، انتقال دانش در جهان از ۱۹۹۰ بررسی شده (هارت و دیگران ۲۰۱۳)؛ ولی طرح این مفهوم در نظام تعلیم و تربیت ایران صورت نگرفته است. تمایز اصلی این مفهوم با سایر مفاهیم مشابه در تأکید وجوه «غیرتخصصی»، «اجتماعی»، و «عمومی» بودن یا به حداکثر رساندن ضریب تأثیر و اشاعه تعلیم و تربیت در تغییر «سیاست‌های جاری جوامع» است (دیدگاه، شهوازیان، و تولایی ۱۳۹۹). بررسی شیوه تأثیر این مفهوم جهانی با ابتکارات رایج در ایران با عناوین کارآمدی، اسلامی، حکمی، بومی، و به‌روزسازی تا کنون مقایسه نشده است. همچنین در دانش‌های میانی، مثلاً مابین رشته‌های هنر، علوم فنی، علوم انسانی و اجتماعی مثل رشته‌های معماری و شهرسازی که ماهیتی «طراحی‌محور» دارند تمایز این مفهوم و کاربست آن چه در جهان و چه در ایران چندان صورت نگرفته است.

در ایران پس از انقلاب فرهنگی و از طریق ستاد و شوراهای مرتبط با عباراتی مثل اسلامی‌سازی، حکمی‌سازی، بومی‌سازی، روزآمدی، و کارآمدی از یک سو (نقره‌کار و معین‌مهر ۱۳۹۹) و «پارک‌های فاوا» یا راه‌اندازی نهاد‌های واسطه مثل «صنعت و دانشگاه» از دیگر سو، تلاش‌هایی انجام شده (محمدحاشمی ۱۳۹۶) ولی با این حال نظریه «نهادینگی دانش» در این ادبیات دیده نشده است.

گرچه یکی از اهداف اسلامی‌سازی دانشگاه‌ها، خدمت‌کننده، و متعهد بودن به مردم در عین نوآوری است که به مفهوم نهادینگی دانشی نزدیک است ولی پژوهشی به پیوند اسلامی‌سازی با این مفهوم نپرداخته است. بنیانگذار انقلاب اسلامی در خرداد ۱۳۵۹ دستور تأسیس ستاد انقلاب فرهنگی و آذر ۱۳۶۳ فرمان تشکیل شورای عالی انقلاب فرهنگی را جهت اسلامی‌کردن دانشگاه‌ها صادر کرد. دولت مشهور به سازندگی، شورای اسلامی‌شدن مراکز آموزشی را تأسیس کرد و از دولت نهم نیز دستگاه‌های متعددی مشغول به کار شدند. اقداماتی چون تفکیک جنسیتی، نوع پوشش،

گیرد. به بیانی، نهادینگی دانش، کاربردی کردن بیشتر دانش یا استفاده بهتر از آن یعنی کاهش فاصله میان نظریه و عمل است. چهار مرحله در بهبود کیفیت پژوهش و افزایش تأثیر آن در جامعه توصیه شده است: (۱) مواجه پرسش‌ها با چالش یا ناهنجاری‌های ملموس، واقعی و ضروری در جامعه، (۲) سازماندهی پژوهش به صورت مشارکتی از گروه پژوهشگران دانشگاهی و حرفه‌مندان در صنعت،

(۳) انجام پژوهش به طور سیستماتیک که افزون بر بررسی نظریه‌ها و مدل‌های مختلف نظری، صورت‌بندی عملی و کاربردی نیز برای پرسش ارائه دهد؛ (۴) چارچوب‌بخشی به پژوهش و یافته‌های حاصله طوری که نقش آن هم در دانشگاه و هم در یک حوزه مشخص عملی و کاربردی بارز باشد (وان د ون<sup>۲</sup> و جانسون<sup>۳</sup> ۲۰۰۶). راهبردهای «نهادینگی دانش» به طور خلاصه عبارتند از بیان با زبان ساده، بازآفرینی (تولید مشارکتی)، دسترسی آزاد، تشکیل گروه‌های تبادل دانش، تولید مش‌گایدها، راه‌اندازی کارگاه‌های آموزشی «ناهار و یادگیری»، تهیه مقالات سیاست‌گذاری، استفاده از واژه‌نامه، داستان‌های موفقیت، مأموریت خارج سازمان، مشاوره درون و برون‌سازمانی (دیدگاه، شهروازیان، و تولایی ۱۳۹۹). تا کنون در ایران پژوهش کافی در این مفهوم در حوزه دروس و رشته‌های طراحی محور بررسی نشده است؛ ولی اگر ادبیات آموزش طراحی و راهبردهای جهانی مرور شود راهبردهای مشابهی در این محورها قابل‌بازبایی است. چرا که پیشنهادات جدید جهت آموزش در مدارس طراحی معماری در اثر نقدهای صورت گرفته بیشتر معطوف ارزش‌های فکری جدید جامعه از جمله نگاه «مشارکتی»، «از پایین به بالا»، «پایداری»، «فرآیندگرا»، «مردم‌گرا»، «میان و چندرشته‌ای عمل کردن»، و «تجربه‌گرا» به جای فرم‌گرایی بوده است. بنابراین پیشنهادات در آموزش‌های طراحی محور در جهت تغییر بنیادی نقش و جایگاه طراح، فرآیند طراحی، و ابزارهای او بوده که با موضوع «نهادینگی دانش» در جهان و «حکمی‌سازی» در ایران همسوست. با وجودی که از دهه ۱۹۶۰ در بیشتر موثر واقع شدن امور آموزشی-پرورشی، انتقال آن به درون متن جامعه راهبردهایی ابتکاری در دانشکده‌های طراحی محور معماری و شهرسازی همچون معماری و شهرسازی ساو پائولو، پلی‌تکنیک تورینو، کوردبا، پرینستون، پورتو، برلین، کرنل، اشتوتگارت، اولم مطرح شده (دلایان<sup>۴</sup> ۲۰۱۸؛ آیدمی<sup>۵</sup> ۲۰۱۸؛ و کولومینا<sup>۶</sup> ۲۰۱۷)، ولی پیوند میان این راهبردها با نهادینگی دانش در جهان یا حکمی‌سازی در ایران دیده نشده است. نظام آتلیه‌ای که در دانشکده هنرهای زیبا از ۱۳۱۹ تا حدود ۱۳۴۷ برای رشته معماری رایج شد، همزمان با شورش‌های دانشجویی و تجزیه

که توسط دانشگاه برقرار می‌شود و بازخورد مردم با کمک کنشگران مختلف می‌تواند به یک روند مثبت در طراحی شهری مشارکتی ختم شود (دانش‌پور و غفارآذر ۱۳۹۹). رابطه میان سیستم آموزشی، محیط حرفه‌ای و سازمان‌های مرتبط با مدیریت شهری و از همه مهمتر اهالی و مردم می‌تواند اشتغال، توسعه و مشارکت را غنا بخشیده و بدین صورت مشارکت مردمی از حالت صوری خارج شده و قشر وسیعی از مردم را دربرگیرد. همچنین حضور رایگان دانشگاهیان و اساتید و دانشجویان می‌تواند ادبیات و نظریه‌های جهانی را با «برنامه‌ریزی و کالتی به مردم شناسانده و ابعاد علمی را بدل به بعد عملی نمایند. بدین صورت برقراری ارتباط دانشگاه با حرفه موجب تولید اشتغال و کارایی بیشتر فعالیت‌های دانشجویان شده و از هرز رفتن تلاش ایشان جلوگیری می‌شود (نوریان و رضایی ۱۳۸۵). باقرزاده خسروشاهی (۱۳۹۰)، دریک پژوهش با رویکرد «طراحی شهری از پایین به بالا»، بحث شارت را مطرح کرده و بر این اساس شارت را یکی از روش‌های مشارکتی در قالب فرآیند طراحی شهری پایین به بالا، برای رویارویی با مسائل مربوط می‌داند. این الگویی دارای مینا، فرآیندگرا و جامع‌نگر است و تأکید بنیادین بر نقش مردم، اجتماعات علم و جامعه مدنی دارد. رویکردی مردم‌محور با راهبردهای بلندمدت محله‌محور که به توانمندسازی مردم و اهالی و بالا بردن آگاهی عمومی می‌انجامد. با این روش امکان تعامل گروهی فراهم شده و فرصت گفتگو به طرح پیشنهادات و شناخت جامع‌تر از مسائل شهری منجر می‌شود. صیاد و سعیدی رضوانی (۱۳۹۹)، تحقق و زمینه‌سازی شارت به‌عنوان یک روش برنامه‌ریزی مشارکتی در ایران را، نیازمند به نگاهی کلان‌نگرتر در بخش حاکمیتی و آموزش‌های لازم و اطمینان در رسانه‌ها ذکر کرده و گفتگو با گروه‌های مرجع و قانون گذار را به منظور آگاهی‌بخشی آنان از فواید شارت و به منظور رفع موانع قانونی لازم دانسته و به‌طور کلی تغییر ساختار برنامه‌ریزی از نحوه شکل‌گیری تفکرات و تعریف چشم‌انداز اولیه تا اجرا و توجه بیشتر به نقش مردم را ضروری می‌داند. «نهادینگی دانش» به معنای پیوند دادن پژوهش‌های دانشگاهی با دستاوردهای خلاق با سازمان‌ها، مردم و بخش‌های دولتی تعریف می‌شود که در بهبود برنامه‌ریزی و تغییر سیاست‌هایشان می‌تواند موثر واقع شود. فرآیند این پیوندسازی توسط پژوهشگر یا نهادی که پژوهش برای آن صورت گرفته صورت می‌گیرد. در حالت عادی، گاهی پژوهش‌های صورت گرفته توسط پژوهشگران در کنفرانس‌ها یا مجلات علمی توسط سایر پژوهشگران کمتر شناخته شده است. هدف نهادینگی دانش در آوردن این پژوهش‌ها در قالبی است که در دسترسی بهتری برای بخش‌های مرتبط قرار

جدول ۱. داده‌های مستخرج از دستاوردهای پیشینه پژوهش داخلی

نویسنده	سال	دیدگاه	دستاورد مستخرج
عبدالحمید نقره کار	۱۴۰۱ (۱۳۹۵)	فرا نظریه سلام	تبیین نقشه راه تمدن نوین اسلامی در کارگروه هنر، معماری و شهرسازی به کمک این نظریه با طرح مدل بنیادی-کاربردی در ساختار، منابع، مبانی و ارزیابی آثار از منظر اسلامی و نقد فرآیندهای انسانی میسر است.
نیما صیاد، نویدسعیدی رضوانی	۱۳۹۹	شارت، روشی برای مشارکت در طراحی شهری	مشخص شدن جایگاه شارٹ در قانون و حمایت از آن تدوین قوانین حمایت گر از شارٹ شناخت گروه های درگیر در شارٹ ایجادگروه های مردم نهاد به منظور ایجاد پل ارتباطی بین طراحان و مردم آموزش حضوری مردم جهت شناخت حقوق شهروندی
سیدعبدالهادی دانشپور، زهرا غفاری آذر	۱۳۹۹	طراحی شهری با رویکرد مشارکت همکاری جویانه، از ایده تا طرح	آگاهی بخشی عمومی بوسیله تشکیل کارگاه های طراحی توسط دانشگاه نقش کارشناس به عنوان کاتالیزور میان کنشگران اصلی
حسینی سنگ نو، کمانرودی کجوری، متولی و قبادی	۱۳۹۸	مشارکت دانشگاهها در بازآفرینی فرهنگی بخش تاریخی مرکزی شهر	اجرای برنامه های آموزشی، پژوهشی و مشاوره افزایش آگاهی عمومی ارتقاء فرهنگ عمومی افزایش امنیت و تولیدات فرهنگی
فرشید سامانپور، ناصر بر کپور، منیژه مقصودی	۱۳۹۷	اقدام پژوهی بر اساس خدمات داوطلبانه دانشجویی	احیا و ارائه خدمات مدنی در دانشگاه هایی که از جامعه جدا افتاده اند تبدیل نقش کارآفرین به کارآفرین تسهیل گر خدمت آموزی دانشجویان و درگیر شدن با مسائل واقعی فرا رشته ایی
عزت لعل بخش، وحیدفادیان، شادی عزیزی	۱۳۹۷	آموزش مشارکتی	کم شدن فاصله میان آموزش و جامعه ارتقای کارآمدی آموزش آکادمیک طراحی معماری آماده سازی یادگیرنده برای زندگی شغلی و اجتماعی تقویت حس مسئولیت پذیری و تعهد نسبت به محیط اطراف عینیت گرایی در آموزش آغاز آموزش با توصیف مسائل روزمره و رسیدن به فهم دقیق واقعیات جامعه
زینت طالبی، فرح حبیب، ایرج اعتصام	۱۳۹۵	آموزش کارگاهی و مدل‌های یادگیری سازنده گرا	مشابهت هر چه بیشتر محیط کارگاه ها با واقعیت ها فرایند انتقال دانش به محیط حرفه ایی و عملی جامعه
فرشاد نوریان محمود رضایی	۱۳۸۵	مداخله مردم محور با استفاده از ICT اوبر اساس (برنامه ریزی و کالتی)	رابطه میان سیستم آموزشی محیط حرفه ایی و سازمانهای مرتبط با مدیریت شهری با استفاده از برنامه ریزی و کالتی ارتباط مستقیم دانشجویان با حرفه و تولید کارآفرینی و اشتغال جولوگیری از هرز رفتن پتانسیل دانشگاه خارج شدن مشارکت مردمی از غالب صوری

مدرسه بوزار در جهان و مصادف استعفای هوشنگ سیحون و ریاست محمدمین میرفندرسکی در این دانشکده تغییر اساسی کرد (سپهری و حجت ۱۳۹۹)؛ ولی هم در جهان و هم ایران همچنان راهبردهای بعدی و جدید آموزشی معطوف به آتلیه مانده که به سایر گرایش‌ها و دانشکده‌های نوپا از جمله شهرسازی سرایت کرد. «آتلیه» در دانشکده‌های طراحی جهان مانند معماری، طراحی داخلی، عکاسی، مجسمه‌سازی، طراحی صنعتی، ارتباطات بصری، منظر، و طراحی شهری هسته اصلی آموزش بوده و همچون دگرفضایی پویا عمل کرده که مواجهه با دیگری، خلاقیت، دانش، و تفکر را در تولید ایده‌های طراحی به کمک نقد، تحلیل، بحث، تجربه، تعامل، و قضاوت نوید داده است. در همین آتلیه‌ها بوده که

نهادینگی دانش و ابعاد آن یعنی حکمی‌سازی، بومی‌سازی، و به‌روزرسانی متجلی شده است. تلاش در بالندگی ارزش‌های باوری، آیینی، و میهنی به ویژه پس از دوران مدرن به دنبال شورش‌های دانشجویی به طرق مختلف صورت گرفت. مفهوم مدرن آتلیه‌ای بودن با رویکرد نخبه‌گرایانه و تحمیل آرای یک استاد (بالا) به دانشجویان (پایین) دربرابر رویکرد سنتی آن (از پایین به بالا و در متن) مورد نقد قرار گرفت. باورهای آیینی و سیاسی-فلسفی خاص، از طریق ورود به مباحث اجتماعی و بازتعریف نقش طراح تقویت شد. ارزش‌های میهنی یا بومی‌گرایی از طریق پیوند آتلیه با جوامع محلی، رفتن به داخل شهر، پیوند میان رشته‌های مختلف رشد یافت. به‌روزرسانی به وسیله همکاری میان طراحان با سایر





و بازآفرینی فرم‌های موجود کنار زده و اعتبار روش‌های جدیدتری مثل بررسی‌های فضایی، بکارگیری فناوری یا ابزارهای جدید، تفکر انتقادی، غیرخطی، تعهدات اجتماعی-سیاسی، بین‌رشته‌ای عمل کردن، مشارکت و به پرسش بردن نقش معمار بیشتر شد (آیدمی ۲۰۱۸).

### ۳. مبانی نظری

از تفاوت‌های روش‌شناسی برآمده از حکمت و فلسفه اسلامی این است که روش، یگانه شرط حصول نیست. بلکه شرایطی مثل توجه به سه قسم حکمت، بهره از مبانی معرفتی ویژه، اولویت‌دهی به ولی و غایت در کنار روش اخلاقی و اجتهادی در آفرینش و پژوهش‌های نو لازم است (رضایی ۱۴۰۲، ۵). نقره‌کار نشان داده که نسبت «حکمت اسلامی» با فرآیندهای انسانی از جمله خلق آثار هنری، معماری، و شهرسازی دارای مراحل پنج‌گانه (ایده، انگیزه، روش، اثر، تأثیر) است و هر مرحله منابع و مبانی خود را دارد که جهت، اهداف، و نتایج فرآیند را مشخص می‌نماید. بنابراین تحقق تمدن نوین با هویت اسلامی-ایرانی نمی‌تواند تقلید از وضع موجود، گذشته یا دیگر تمدن‌ها باشد. بلکه هر مرحله باید آبخورهای خود را از مکتب اسلامی یعنی اعتقادات و معارف اسلامی، احکام، اخلاق و راه حل‌های اجتهادی برگزیند. طبق «فرانظریه سلام» او، هر اثر معماری از دو بعد معنوی و مهندسی-هریک در شش عامل- قابل ارزیابی است. بعد معنوی ویژگی‌های کلی، کیفی و از بالا به پایین دارد و غیروابسته به شرایط زمانی و مکانی است. ولی ابعاد مهندسی دارای ویژگی‌های جزئی، کمی از پایین به بالا و وابسته به شرایط زمانی و مکانی است. هر اثر معماری طبق این نظریه پنج مرحله خلق را طی می‌نماید و در هر مرحله نسبت به عواملی شش‌گانه قابل ارزیابی است. از این پنج مرحله خلق، سه مرحله شامل دانش و بینش، نیت و انگیزه، روش عملی مربوط به شخص معمار است. گام چهارم خود اثر معماری و درنهایت گام پنجم تأثیر آن بر مخاطبین است. بنابراین در ارزیابی آثار باید هر پنج مرحله را با شش عامل معنوی و شش عامل مهندسی سنجید. این نظریه با هدف تبیین نقشه راه تمدن نوین اسلامی در کارگروه هنر، معماری و شهرسازی مطرح شده است (نقره‌کار ۱۴۰۱؛ ۱۳۹۵). این مبانی معرفتی، هستی‌شناسانه، و روش‌شناسانه هر کدام بر روی سرفصل، محتوی دروس و رویکرد اساتید در ایران موثر است. با این تذکر، فرای مولفه‌های مکانی می‌توان نسبت اهداف سه‌گانه این پژوهش را مرور نمود.

**الف) مرور حکمی‌سازی در مدارس معماری جهان**  
اگر یکی از جنبه‌های حکمی‌سازی دروس را گرایش

حرفه‌ها، استفاده از ابزار یا فناوری روز، نشر و چاپ متون و تأسیس مراکز پژوهشی دنبال شد. به‌عنوان نمونه «آلومین بویارسکی»<sup>۷</sup> در اوایل دهه ۷۰ طی دوره ریاست خود (۱۹۷۱-۱۹۹۰) در مدرسه تک‌رشته‌ای «ای‌ای لندن» ایده «نظام واحد» را پایه برنامه آموزشی خود قرارداد. او با چارچوب آموزش «آتلیه عمودی» یا آتلیه همگرا و منسجم<sup>۸</sup> و طبق نظام واحد از استادان دعوت کرد تا مدرسه را وسیله تجارب و پژوهش در زمینه معماری و تحول جامعه بنگرند. ایده او جلب مشارکت دانشجو، معمار، مورخ، طراح، برنامه‌ریز شهری از اطراف جهان طی شش هفته برنامه تابستانی شامل سخنرانی، سمینار، و کارگاه بود طوری که این «جلسات تابستانی» همچون «بازاری برای تبادل ایده» عمل می‌کرد (سانوو<sup>۹</sup> ۲۰۱۳). در سمپوزیوم ۱۹۷۲ که توسط «امیلیو آمباسز» در «موما» (موزه هنر مدرن)، نیویورک برگزار شد، معماران، مورخان، نویسندگان، هنرمندان، فیلسوفان، دانشمندان و مربیان از جمله افراد سرشناسی مثل دنیس اسکات براون، امبرتو اکو، ژان بودریار، هانا آرنت، اوکتاویو پاز، سوزان کلر، هنری لوفور، گیورگی کپس، و گیلو دورفلز-پیشنهادهایی برای آموزش طراحی در یک جامعه پسا فن‌آوری ارائه دادند (کولومینا ۲۰۱۷؛ کولومینا و دیگران ۲۰۱۲). گرایش به شیوه‌های نوین آموزش معماری در برابر نظام سنتی همچون بوزار و باهاس، از دهه شصت به این سو به دلیل تغییر نگرش‌های جوامع شتاب گرفت. شورش دانشجویان در برابر نظام آموزش طراحی هنری معماری در بوزار پاریس (۱۹۶۸) و سال بعد آتش زدن دانشکده هنرومعماری بیبل (۱۹۶۹) از جمله بازتاب و ضرورت این جهتگیری‌هاست. طراحی شهری به شکل نظام آموزشی آن متولد دهه ۱۹۶۰ یعنی زمان اوج این گرایش‌هاست. بنابراین طبیعی است که هم مبتنی بر راهکارهای نوین آموزش طراحی بوده؛ و هم از بنیاد در نقد، تکمیل، و پاسخگویی به نظام پیش از خود سربرآورده باشد. از همین رو شیوه‌های آموزش در طراحی شهری تعدیل‌یافته پیشنهادات مدارس طراحی معماری و تکمیل شده آن است. می‌توان گفت اعتراضات به شیوه افراطی کیفی-هنری آموزش معماری از یک سو، و محتوی کمی-علمی برنامه‌ریزی شهری از سوی دیگر، یکی از دلایل ضرورت گسترش طراحی شهری بود. همین امر خود از دلایل پیوند ناگسستنی این حوزه‌های چند و میان دانشی تا کنون بوده است. آتلیه، هسته اصلی در هرگونه آموزش طراحی فضایی (مانند معماری، معماری داخلی، و شهرسازی) محسوب می‌شود که ایده اصلی آن بر پایه واحد کردن همه اطلاعات سایر کلاس‌ها در درون پروژه طراحی آتلیه است (آتاگان<sup>۱۰</sup> ۲۰۱۶). نیمه دوم قرن بیستم آستانه تحولاتی در آموزش طراحی معماری و رشته‌های مشابه به حساب می‌آید. رویکردهای سنتی همچون دوره کارآموزی



معماری تفکیک کرد تا در گروه پروژه‌ها انقلابی‌ترین کار خود را یعنی تعمیم دانشی و مفهومی طراحی در آموزش انجام دهد: طراحی از مهندسی به طراحی صنعتی، برنامه‌ریزی، و ارتباطات بصری گسترش و از فرم‌دهی به حالت‌دهی ذهن توسعه یافت. به این ترتیب دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه ساو پائولو با رهبری معلمان معماری از سال ۱۹۴۸ گشایش یافت. در آرژانتین «تالرتوتال»<sup>۱۳</sup> مدرسه معماری و شهرسازی کوردبا در دهه هفتاد یعنی در جو کامل سیاسی جامعه همزمان با زیر پرسش بردن روش‌های آموزش مدرن طراحی و جایگاه اجتماعی نهاد دانشگاه با رویکرد نقش معمار طراح در تبدیل و تحول جامعه آمریکای لاتین بنیانگذاری شد. از جمله نقدهای آنها به جدایی واحدها از هم و از متن جامعه، فرآورده‌گرایی در طراحی و سخنرانی یک‌طرفه استاد بود که به بازتولید همان شرایط موجود اجتماعی به جای تغییر عملی آن می‌پرداخت. پیشنهاد نظام جدید آموزشی آنها یک ساختار افقی برای تولید دانش بین استاد و دانشجو بود که با علاقه‌مندی به وارد کردن واقعیت‌های اجتماعی و فرهنگی صورت گیرد. بنابراین در یک آتلیه واحد دانشجویان سال دوم تا سال آخر را با شیوه گروه‌بندی مخلوط گردهم آوردند تا در حل یک مسئله واقعی جامعه هم‌فکری کنند. تالرتوتال آموزش معماری را تلاقی همزمان مسائل فنی، علمی، اقتصادی، اجتماعی، تاریخی، و فرهنگی می‌دانست ولی گرایش اصلی آن تلفیق منسجم این موارد با تأکید نگاه ایدئولوژیکی-اجتماعی باشد. در ۱۹۶۸ شهر فلورانس صحنه بدها پردازی دانشجویان معماری در اعتراض به شیوه‌های آموزش در برابر شهر در حال تحول شد. آن‌ها در نقد شرایط شهر معاصر معتقد بودند که از نظر روانی شهر مسئول تولید الگوهای رفتاری خشک و ثابت است. بنابراین با هدف طراحی فضاهایی برای رفتار آزاد دنبال رهایی بخش‌های یک شکل و ثابت صحنه‌های شهری شدند. همچنین پیرو استادشان ریچی خواهان لغو برنامه شهری شدند که شامل مجموعه قوانین و الگوهای زندگی ثابت بود. ریچی برنامه خلاق را به جای آن پیشنهاد داد که دارای پارامترهای انعطاف‌پذیر بود. دانشجویان حتی از این نیز پیشی گرفته و در اعتراض به محیط شهری افزون بر مباحث نظری به طراحی اشیا با هدف نقد راه‌حل‌های ناکافی معمار در مقیاس شهر پرداختند که روایت‌های جدیدی مطرح شد از جمله «آنچه رفتار را شکل می‌دهد دیگر معماری نیست بلکه گردش کالاها مصرفی است». از این رو رابطه میان شی مصرفی، محیط و کاربر تأکید معماری شد. از جمله پروژه‌های این دسته می‌توان به «بنای یادبود پیوسته»<sup>۱۴</sup>، توسط سوپراستودیو، «شهر بی توقف»<sup>۱۵</sup> اثر آرشیزوم، «شهر میانجی گروه استروم»<sup>۱۶</sup> و «شهر خطی زیگورات»<sup>۱۷</sup> اشاره کرد.

به اخلاق، اندیشه‌های سیاسی، حکمی-اسلامی و ایرانی دانست می‌توان پیشینه مشابهی در مدارس طراحی مثلا در نگرش‌های سیاسی به آموزش طراحی در ایتالیا به‌عنوان مهد طراحی و آمریکای لاتین به دلیل شرایط سیاسی یافت. ماهیت این تکنیک‌ها اخلاقی-هنجاری، ورود به مباحث اجتماعی، موضع‌گیری سیاسی، و دادن نقش یا بازتعریف جایگاه طراح در جامعه است. در نمایشگاه و کنفرانسی به نام «آرمانشهر و انقلاب» سال ۱۹۶۹ در دانشگاه پلی‌تکنیک تورینو<sup>۱۱</sup> دو دیدگاه انقلابی و فناوری آرمانی در نقش طراح تأکید شد. کنفرانس توسط کمیته دستیاران و حمایت دانشجویان و اساتید گروه علوم انسانی و مهمانان برجسته‌ای همچون گروه‌های معماری آرشیگرام، آرشیزوم، یونا فریدمن، پابلو سولری، و فیلسوفانی که در بحث شرکت کردند از جمله جیانی واتیمو مسایلی چون بحران زیست‌محیطی، شهر سرمایه‌داری غرب، و به ویژه بحث روز درباره استفاده از ایدئولوژی‌ها و ارزیابی‌های سیاسی درگرفت (آیدمی ۲۰۱۸؛ دلایانا ۲۰۱۸). یا مثلا آثار چیدمان «املیو امباسز» که توسط «موما» به نمایش رسید (۱۹۷۲) تأثیر شگرفی در بازتعریف گفتمان و آموزش طراحی در ایتالیا طی دهه‌های هفتاد و هشتاد میلادی داشت. زیرا تمرکز «طراحی معاصر» را از فرآورده طراحی به سمبل‌ها و نقدهای جاری اجتماعی و معانی چون محیط، رسانه، ضدطراحی، و سیاست رساند و در سایر آثار ایتالیایی موجب تأکید بر تجربه‌های کوچک طراحی جمعی در مقابل ابزارهای کلان جهانی شد. در همین سال‌ها در آمریکای لاتین مانند برزیل، مکزیک و آرژانتین، از نظر عده‌ای از مدعیان آموزش معماری، سرفصل و روند آموزش طراحی به یک رفرم اجتماعی و بیانیه‌ای برای مدلی نوین در جنبه‌های سیاسی-اجتماعی بدل شد. طوری که نقش طراح را از پاسخ‌های صرف فناورانه تا توسعه اندیشه‌های مدنی در مقیاس‌های جهانی تغییر داد. آنچنان که ویلانوا آرتیگاس<sup>۱۲</sup> با انتقال دانشکده معماری از پلی‌تکنیک موجب میان‌دانشی دیدن بیشتر آموزش طراحی معماری، فرارفتن از مهندسی و تعمیم معنای «طراحی» از «فرم‌سازی» به «ذهن‌سازی» شد تا ره به تغییرات سیاسی بزرگ از جمله پایان سلطه معماران خارجی در محل ببرد. با رهبری او در سال ۱۹۶۲ سرفصل و ساختار آموزش معماری برزیل دگرگون شد. معماری که تا آن هنگام طبق قانونی ۱۹۹۳ زیرمجموعه دانشکده پلی‌تکنیک و دانش ثانوی محسوب می‌شد و سلطه طراحان خارجی در منطقه را سبب شده بود توسط تلاش‌های او مستقل شد. آرتیگاس طبق مدل آموزش چنددانشی معماری در امریکا یعنی همان الگوی باهاس، معماری را از دانشکده پلی‌تکنیک معماری ساو پائولو به سه گروه طرح‌ها (پروژه‌ها)، تاریخ معماری و فناوری

### ب) بومی‌سازی در دانشکده‌های طراحی محور

در دانشکده‌های طراحی به خصوص معماری، از دهه ۱۹۶۰ تحولات آموزشی همراه با در نظر گرفتن نقش سیاسی طراح و جنبه‌های اجتماعی پیش‌گفته، در جهت بومی‌سازی اقداماتی مشارکتی میان جوامع، سازمان‌های محلی و معماری با دانشجویان شکل گرفت. ترکیب آموزش با پژوهش، مؤسسات عمومی، و شرکت‌های محلی همچنین گفتگوی میان دانشکده‌ها و جوامع محلی از طریق یک پروژه واقعی و جاری از جمله تکنیک‌هایی بود که رواج یافت. بنابراین ماهیت این تکنیک‌ها پیوند با برون آتلیه و دانشگاه یعنی سازمان و جوامع محلی از یک سو و رفتن به سایت یا محل بود. با هدف بومی‌سازی، کاربردی کردن بیشتر، و فرارفتن از جنبه‌های هنری توجه به مسائل شهر، شهرسازی، و طراحی شهری مورد تأکید جدی آموزش طراحی قرار گرفت. چنانکه مداخله در سایت‌های واقعی، نگرش به شهر همچون آزمایشگاه معماری، جانمایی چیدمان‌های موقت در پلازاهای شهر، و دیدن شهر همچون موجود زنده در امر آموزش طراحی محور اصلی قرار گرفت. همانند زیگفریوید گیدین، ارنستو ناتان راجرز، و همکارانش در دانشکده‌های پیشروی شمال ایتالیا به ویژه میلان و ونیز (۱۹۵۲ تا ۱۹۷۱) و همزمان انریکو پریسوتی<sup>۱۸</sup> در پرینستون (۱۹۵۲ تا ۱۹۵۹) تلاش کردند ایده «بیوستگی» یا «تداوم» سنت و تاریخ را در فرآیند طراحی مدرن در نظام آموزشی خود برقرار سازند. میراث آموزشی راجرز بر نظریه تعلیم و تربیت توسط افرادی مثل آلدورسی در کتاب «معماری شهر» و ویتوریو گریگتی در «قلمرو معماری» ادامه یافت که هر دو در سال ۱۹۶۶ چاپ شدند. همچنین بسیاری از اساتید پرنفوذ و موسسین مدرسه مشهور لاتن دنزا<sup>۱۹</sup> شاگردان این مکتب بودند. پریسوتی همه دانشجویان سال اول دانشکده خود را جهت روش طراحی که به آن باور داشت مجبور کرد تا همراه او به بازدید سایت طراح شان در محل دیدنی یوکاتان در مکزیک بروند. ایده ارتباط گذشته با آینده روش طراحی جدیدی از نظر او و اساتید این دانشکده بود که پیوند پویا و زنده بین سنت و آینده است؛ طوریکه تنها با تداوم یا گسست از وضع موجود به دست می‌آید. او کار دانشجویش چارلز مور را نمونه‌ای دانست که اصول طراحی مدرن را با نگاه به تاریخ برای اولین بار ممکن کرده است: پیوند دلسوزانه با محیط بدون تقلید از سبک‌های گذشته. نقش اصلی طراح و مسئولیت اخلاقی او به صورت فردی و دانشگاهی در قبال جامعه، تاریخ و زمینه است که شکل می‌گیرد. بنابراین رفتن به بیرون از آتلیه و تجربه محیط از تکنیک‌های طراحی این نظام آموزشی شد. بومی‌سازی و رفتن داخل سایت و زنده کردن پروژه برای

آموزش طراحی در ایده «سدریک پرایس» با ابتکاری دیگر شکل گرفت. شبکه متحرک ساختارهای دانشگاهی طراحی شده توسط او برای ۲۰ هزار دانشجو در رشته‌های کاربردی مهندسی و علوم در نقد وی به نظام دانشگاه‌های سنتی معماری در ایده کمربند تفکر (۱۹۶۵) او شکل گرفت. مثلی از اتصال واحدهای صنعتی سفالگری بلااستفاده که دانشجویان حتی در انتقال میان واحدها در قطارهای ریلی بازاراندازی شده آن می‌توانستند آموزش ببینند و سالن سخنرانی در واگن‌های بزرگتر برگزار شود. کمربند تفکر جداسازی بین مکان کار و زندگی را از بین می‌برد. از اهداف آن کار با صنایع منطقه به‌عنوان مراکز پژوهش، طراحی و ارائه آموزش در صنایع جدید برای ساکنان محلی بود که پیشه سفالگری را از دست داده بودند. در سال ۱۹۶۸ یعنی دوسال پس از چاپ کتاب «در راهی به سوی یک شهر جدید» (۱۹۶۶) گروه شوروی سابق، مشهور به «نر<sup>۲۰</sup>» توسط «جیانکارلو دکارلو» به سه سالانه میلان دعوت شدند تا در بخش «تبدیل محیط فیزیکی» نمایشگاه برنامه‌های خود را برای «شهر کمونیستی ایده‌آل» در راستای شورش‌های مدام دانشجویی و علیه فرهنگ مصرف‌گرایی به نمایش گذارند. شعار این گروه در حمایت دیدن شهر به‌عنوان موجود زنده بود که سلول‌هایش ابتدا به تدریج متولد می‌شوند و در نهایت می‌میرند. بنابراین از اهمیت معماری فرم‌گرا به دلیل ممانعت از فرآیندهای آلی کاسته و به اهمیت فعالیت و معماری محیط‌گرا افزوده می‌شد. از اولویت‌های شهر جدید ایشان، ارتباطات در جامعه بدون طبقه بود که شهر مستقل از مرکز صنعتی و اقتصادی شده و در عوض پیرامون ارتباطات سازماندهی می‌شد. مشابه همین ایده، پروژه‌های شهرگرایانه توسط «اوزوالد متیوس اونگرز» آلمانی در دانشگاه برلین و کرنل صورت گرفت. مشهودترین ایده اونگرز استعاره «شهر درون شهر» بود که دیالکتیک بین شهر با ساختمان اولویت داشت. او گونه‌هایی از مقیاس شهر را همچون معابر، میدان، و رواق‌ها به مقیاس درون ساختمان با هدف القای جنبه‌های اجتماعی کلانشهر را در معماری نه برای رسیدن مدینه فاضله بلکه برای تولید واقعیتی برتر دنبال کرد. در کشور پرتغال به سال ۱۹۷۴ همزمان با انقلاب میخک، آلوارو سیزا با دانشجویانش در دانشکده معماری پورتو (اف‌ای یو پی<sup>۲۱</sup>) پل همکاری با سازمان‌های ذی‌ربط محلی همچون اس‌ای ای<sup>۲۲</sup> ال در پروژه واقعی مسکن شهری زدند تا نقش کنشگرانه آموزش معماری را در پرداختن مسئله‌های بومی، حیاتی با فوریت اجتماعی-سیاسی برای قشر کم‌درآمد فعال کنند. هرچند پروژه مسکن موضوعی ملی است ولی بدون حمایت گروه‌های قدرت محلی حق مسکن، حق ساخت و در کل حق به شهر قابل دستیابی نبود. بنابراین آموزه‌های



نوین و فناوری است. کتاب، دایره‌المعارف ویژه‌ای از تصاویری فنی-علمی روز در توصیف ویژگی‌های زیباشناختی یافته‌های علمی است که برای به‌روزرسانی و تکمیلش ناگزیر از ارائه‌ی مشارکت‌های میان‌رشته‌ای دانش، فنون، وسایل و تکنیک‌های جدید عکاسی ریزنگاری استفاده کرد. به‌عنوان نمونه فیزیکی‌دان مشهور برونوروسی<sup>۲۶</sup> از همکاران همان دانشگاه ام‌ای تی که از مشارکت‌کنندگان در کتاب بود با تولید «واقعیت‌های علمی» از طریق «تجسم‌سازی بصری» به تعامل میان دانشمندان با هنرمندان به خصوص طراحان در زمینه خلاقیت دامن زد. از این تشویق همکاری میان رشته‌های هنرهای بصری و علوم در دانشگاه، شیوه‌های جدید تفکر و رویکردهای بیش از هنری-بصری نوین به محیط در طراحی مشترک میان معماران، شهرسازان و هنرمندان پدید آمد. تعاملات بین رشته‌ای باعث تلفیق ادراکات روانشناسی با ابداعات علمی شد طوری که بین ۱۹۵۴ و ۱۹۵۹ کپس و کوین لینچ موفق به مستندسازی تأثیرات روانشناسی چشم‌انداز بصری در شهر بوستون و «ادراک شکلی شهر» شدند که منجر به تهیه کتاب پرنفوذ «سیمای شهر» لینچ شد. سری کتاب‌های کپس که مشارکت‌کنندگان متنوعی به تهیه آن همت گماردند، بعدها در سال ۱۹۶۷ سبب پیدایش «مرکز مطالعات بصری پیشرفته»<sup>۲۷</sup> در ام‌ای تی شد. گیلو دورفلز (مورخ و فیلسوف هنر و معماری) با تهیه «ماهیت و هنر حرکت» (۱۹۶۵) و «شی ساخته دست بشر» (۱۹۶۶)، معمارانی چون پیر لوزی نروی معمار با «ساختار در هنر و علم» (۱۹۶۵)، ارنستو ناتان راجرز با «نشانه، تصویر، نماد» (۱۹۶۶)، مجسمه‌ساز، و هنرمند بصری میرکوبازالدلا با «آموزش تصور» (۱۹۶۵) از جمله مشارکت‌کنندگان بودند. «انزو فرانلی»<sup>۲۸</sup> با بازدید از پردیس دانشکده طراحی اولم آلمان اطلاعات موجود در کتابخانه را همچون گنج و «سرزمین موعود از منابع غیرمنتظره» دانست. مجموعه دانش به‌روز در ساخت اجزای بنا و خانه‌های پیش‌ساخته، چوبی و موارد مشابه از کتب خاص دانشکده بود. ولی تکنیک آموزش طراحی در این مدرسه به تشکیل گروه‌های بین‌المللی و میان‌رشته‌ای بین سال‌های ۱۹۵۹ تا ۱۹۶۸ به شهرت رسید. مدرسه‌ای که در آن نقش اصلی طراح به هماهنگ‌کننده بین این گروه‌ها در حوزه‌های معماری، مهندسی، سایبرنتیک، و سامانه‌های زبان‌شناسانه تغییر یافت و فرانلی از آن به‌عنوان واژگونی کارکردگرایی مدرن یاد کرد؛ جایی که بهره‌بردار خود می‌تواند طراح باشد. از نظر فرای اتو کار تیمی، میان‌رشته‌ای، چندرشته‌ای، و آزمایشگاهی در مقیاس بزرگ در مؤسسه پژوهشی لازمه آموزش طراحی است و دانشکده‌های معماری در مقاطع بالا باید به جای آموزش سنتی پشت میز نشستن دارای چنین مرکزی پژوهشی جهت ساخت و تولید در جهان

انقلاب جمهوری یا دموکراتیک با سیاست‌های طراحی تلفیق و پارادایمی از پایین به بالا، مشارکتی، شهری، تجربی، و بومی را در سبک آموزش پدید آورد که یکی از محصولات آن بازسازی محله فقیرنشین ساو ویکتور شد.

### پ) مرور بر روزآمدسازی مدارس طراحی

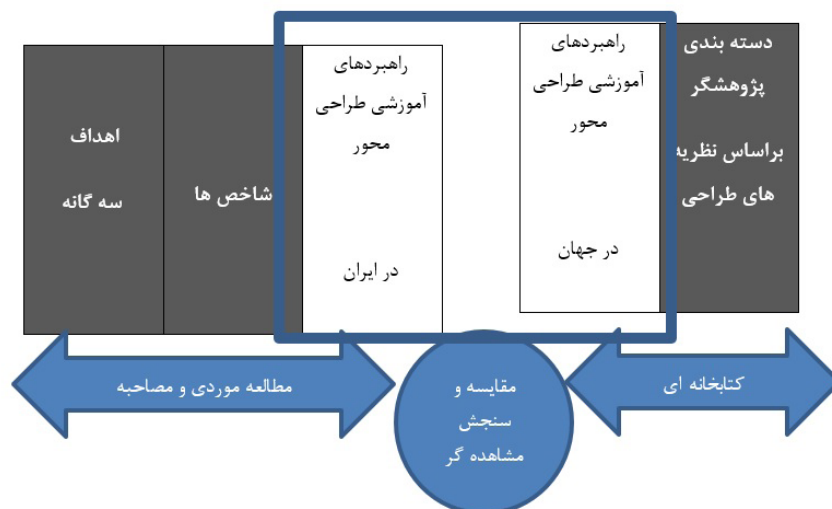
به‌روزرسانی گرچه در دل ایده‌های پیشین حضور دارد ولی بیشتر از طریق پیوند میان رشته‌های مختلف، چنددانشی عمل کردن، همکاری میان معماران با مهندسان، جامعه‌شناسان، زیست‌شناسان، استفاده از ابزار یا فناوری روز با هدف گسترش مرز دانش طراحی، چاپ و نشر آثار و تأسیس مراکز پژوهشی صورت گرفت. در همین راستا توجه به دیگری، کثرت‌گرایی، عدم سلطه یک روایت کلان، نظر به خرد فرهنگ‌ها، تنوع و پیروی از قانون دیگری، و بهره‌گیری از فناوری‌های روز علوم از جمله ایده‌های مطرح در آموزش طراحی شد. مثلاً جیان کارلود کارلو طی سال‌های ۱۹۷۶ تا ۲۰۰۳ در تأسیس آزمایشگاه معماری و طراحی شهری دنبال تعامل فرهنگ‌های دیگر بود. مشابه مدرسه تابستانی سیام، آزمایشگاه او هرساله اساتید هیئت علمی و ده‌ها دانشجویان دانشکده‌های مختلف جهان را برای یک سری کارگاه‌های مشارکتی از کشورهای مختلف مثل آمریکا، کانادا، آرژانتین، بلژیک، برزیل، شیلی، ایتالیا، فرانسه، هند، هلند، اسکاتلند، و سوئیس جهت مقایسه کارها و طراحی طبق علایق مشترک گرد هم جمع می‌کرد. پس بر اساس «زبان چندگانه»، گفتگوهای بین‌المللی آزاد ایده‌های طراحی شکل می‌گرفت. با رویکردی مشارکتی، بهره‌گیری روزانه از معماری و شهر توسط شهروندان و روش‌های مثل اسکیس زدن، دیگرام، عکاسی، و کولاژ راهبردهای قرائت زمینه در این آزمایشگاه صورت می‌گرفت و موضوعات مشترکی مثل مکان، حافظه، زبان، چندگانگی و پیچیدگی، هویت و محیط پدیدار می‌شد. «پیترو بلوسکی»<sup>۲۳</sup> به همراه «گیورگی کپس»<sup>۲۴</sup> در دانشگاه ام‌ای تی از ۱۹۵۱ تا ۱۹۶۵ و «فرای اوتو»<sup>۲۵</sup> در دانشگاه اشتوتگارت آلمان از ۱۹۶۴ تا ۱۹۹۰ از فناوری، علوم نوین و به‌روزرسانی روش‌های طراحی در آموزش معماری بهره گرفتند. کتابخانه، مؤسسه و مراکز پژوهشی که بعدها توسط ایشان و همچنین دانشگاه اولم آلمان شکل گرفت، این علوم و فنون را تولید، حفظ، و صادر کرد. بلوسکی طی دوران تصدی خود، پژوهش در زمینه علوم، فن‌آوری، و مهندسی را در بین اعضای هیئت علمی به‌عنوان راهی برای نوسازی رشته پس از بحران مدرنیسم ترویج کرد. کتاب کپس با نام «چشم‌انداز جدید در هنر و علم» که از ۱۹۴۷ روی آن کار کرده، و قسمت عمده آن در سال ۱۹۵۲ فراهم شد و در نهایت تا ۱۹۵۶ به اتمام رسید، بازتابی از توجه به علوم

۱۹۵۰ به روش‌های سنتی صورت گرفته مرور؛ و راهبردها استخراج، دسته‌بندی و سپس براساس سه هدف مرتب شد. هدف در روش «فرا ترکیب» به دست آوردن دانش جدید از مرورهای قبلی است. بنابراین پس از مرور نظام‌مند ادبیات پیشین در راستای پرسش پژوهش، متون مرتبط از چهل و یک نمونه تجارب دانشکده‌های پیشرو طراحی از نیمه قرن بیستم (۱۹۵۰) جمع و محتوی آن بر اساس اهداف سه‌گانه و راهبردها استخراج شد. نمونه‌گیری مدارس بر اساس رتبه جهانی، پیشرو بودن در ارائه راهبرد و ابتکارات، داشتن محوریت طراحی و در کنترل با نمونه و یافته‌های پژوهش‌های سالانه گروه دکتری معماری دانشگاه پرنستون جلو رفت. براساس شباهت ویژگی‌های یافته‌ها، دسته‌بندی کنترل و با مطالب مصاحبه تکمیل شد. برای تکمیل و اعتبار بیشتر روش، موردکاوی در برنامه درسی (سرفصل) رشته طراحی شهری کارشناسی ارشد متمرکز شد و تجربه عملی سه درس سرفصل مربوط به سه سال مختلف با روش مشاهده حین مشارکت صورت گرفت<sup>۳۱</sup>. بنابراین به منظور اشباع نظری یافته‌های نظری، مصاحبه عمیق نیمه‌ساختاری با مدرسین سابقه و دانشجویان ممتاز در دستیابی به شاخص‌های اهداف سه‌گانه تنظیم، و به صورت مجازی اجرا شد. روند شاخص‌یابی با مصاحبه با شش استاد (یک استاد تمام، دو دانشیار، یک استادیار، دو استاد مدعو) و ده دانشجو دانشکده (یک دکتری با پیشینه طراحی شهری، نه دانشجوی ارشد با پیشینه معماری و شهرسازی) به اشباع رسید. سپس شاخص‌ها با مباحث آموزشی «نهادینگی دانش» مقایسه و راهبردهای متناظر شناسایی شد<sup>۳۲</sup>.

معماری باشند. مؤسسه‌ای که او راه انداخت یک سازه چادری سبک بدون معماری داخلی خاص بود که بیشتر فعالیت‌ها نیز در بیرون آن در فضای باز با کمک آزمایش، ساخت ماکت و به نوعی بازی با موادی چون تخم مرغ، بادکنک، کف اصلاح و بازدید از باغ وحش و عکاسی از حیوانات صورت می‌گرفت. او نام این مدل آموزش باز را «مرکز چرخاننده» شبکه و پیوندها خواند که در آن تعامل آزاد و بازیگوشانه میان گروه‌های پژوهشی مختلف تشویق می‌شد. در ۱۹۶۱ سازماندهی شبکه‌ای از کارگاه‌های طراحی در مقیاس جهانی با مرکزیت در مؤسسه کاربوندیل ایلینوی جنوبی ایده افسانه‌ای آموزشی و خودکار «باکس‌مینستر فولر» بود. او که گنبد‌های خود را مرکز پژوهشی و اطلاعاتی قابل نصب در هر مؤسسه‌ای می‌دانست، اعلام کرد که آتلیه‌های طراحی دانشگاه ده سال تدریس خود را متوقف کرده و با هم روی یک موضوع جهانی کار کنند. گنبد‌ها به سان پاتوقی از اطلاعات، تجسم‌سازی بصری، ماشین توسعه و پخش تفسیر شدند و در نتیجه مدرسه همچون مغزی بود که مثل نظام عظیم اطلاعات و مانند یک تیم پژوهشی جهانی کار می‌کرد. کلاس‌های آینده وسیع‌تر، الکترونیکی، و با استفاده از رایانه و تلویزیون‌های دوطرفه کار خواهد کرد.

#### ۴. روش شناسی

روش پژوهش مقاله حاضر کیفی و کاربردی است که براساس مرور نظام‌مند «فرا ترکیبی»<sup>۳۳</sup>، مصاحبه عمیق، و اشباع نظری در راستای تأمین سه هدف حکمی، بومی، و به‌روزرسانی در آموزش طراحی محور انجام شد. نخست تجارب آموزش طراحی محور در جهان و ایران که در انتقادهای دهه



شکل ۱. روند پژوهش

شده درصدد پیشبرد آرمان دانشکده بوده و مأموریت خود را تأثیر بر تصمیم‌های آموزشی، فرهنگی، اجتماعی، و سیاسی دانسته است. این «پیوندها» همان مفهوم و توصیه‌های «نهادینگی دانش» است که از دهه ۱۹۹۰ در کلیه رشته‌ها و سراسر جهان رایج شد. بنابراین می‌توان جدول ۲ را بر اساس اهداف، شاخص و راهبردهای به دست آمده از متون و آرای مصاحبه پژوهش ارائه داد و مشاهده کرد که اهداف نهادینگی دانش با راهبردها در هر سه هدف همپوشانی دارد و برای حصول به اهداف ذاتی و حیاتی است.

## ۵. بحث و بررسی

طبق جدول یک و پس از مرور تجارب، متناظر با اهداف سه‌گانه، شاخص‌هایی جهت دسته‌بندی راهبردهای آموزشی و راهبردهای نهادینگی دانش شناسایی شد. نمونه‌های بررسی شده دانشکده‌های معماری و شهرسازی از نیمه قرن بیستم در اصلاح برنامه آموزشی خود ابتکاراتی با تأکیدات بر تحکیم «پیوند» با دانش، دانشجویان، اساتید، جامعه، مسائل شهری، واقعی و نهادهای محلی، ملی و فراملی داشته‌اند. این دانشکده‌ها، طراحی محور، مستقل، دارای آتلیه و محیطی مجهز بوده طوری که ریاست وقت با دعوت از گروهی گلچین

جدول ۲. هم‌سویی اهداف، شاخص‌ها و راهبردهای آموزش طراحی محور با نهادینگی دانش (مأخذ: نگارنده براساس آیدی ۲۰۱۸؛ رضایی ۱۴۰۰)

اهداف	شاخص کلی	راهبرد طراحی محور	آموزشی	راهبردهای حاصل از پژوهش	راهبردهای نهادینگی دانش
۱	حکمی سازی	باورهای آیینی و سیاسی-فلسفی خاص	ورود به مباحث اجتماعی بازتعریف نقش طراح	پیروی از الگوهای اخلاق و منطق ایرانی-اسلامی پیروی طراحی از گام‌ها و چشم‌اندازهای جمهوری اسلامی (ارزش‌های انقلاب) بهره از آرا و هنر اسلامی، اندیشه‌های تمدن‌ساز قرآنی و جامعه دینی-علمی در چشم‌اندازسازی و عملیات فرآیند طراحی در راستای حکمرانی مردم سالارانه دینی و مشارکت همگان نقد مباحث جهانی با حکمت‌های ایرانی-اسلامی	بازآفرینی (تولید مشارکتی) به اشتراک‌گذاری مشورت با کاربر نهایی مبتنی بر جامعه تحقیقات میدانی
۲	بومی سازی	زمینه‌گرایی و حل مسائل واقعی جامعه	پیوند آتلیه با جوامع محلی، رفتن به داخل شهر، پیوند میان رشته‌های مختلف	بهره‌گیری از انتشارات و دستاوردهای اساتید دانشگاه‌های داخلی، استفاده از نمونه‌های داخلی، کشورهای اسلامی، خاورمیانه، و منطقه نهادینگی جدی در بکارگیری تولیدات علمی در سطح جامعه (کلیه بازیگران، به ویژه جوانان)	مقالات سیاست‌گذاری مأموریت خارج سازمان گروه‌های تبادل دانش مشاوره درون و برون سازمانی
۳	به‌روزرسانی	بهره از دانش روز	همکاری میان طراحان با سایر حرفه‌ها، استفاده از ابزار یا فناوری روز، نشر و چاپ متون و تأسیس مراکز پژوهشی	پژوهشکده‌های بین‌المللی و بکارگیری آخرین دستاوردهای علمی جهانی شناسایی قابلیت‌های صدور آرای بومی به جهان تعامل با اندیشمندان منطقه و جهان	مش‌گاید دسترسی آزاد

آمده از مطالعات جهانی «زمینه‌گرایی و حل مسائل واقعی جامعه» بوده که از طریق «پیوند آتلیه با جوامع محلی، رفتن به داخل شهر، پیوند میان رشته‌های مختلف» رشد یافته است. سرانجام شاخص هدف سوم یعنی به‌روزرسانی، «بهره از دانش روز» شناسایی شده که به وسیله «همکاری میان طراحان با سایر حرفه‌ها، استفاده از ابزار یا فناوری روز، نشر و چاپ متون و تأسیس مراکز پژوهشی» دنبال شده است.

جدول ۳ نشان می‌دهد که نمونه راهبردهای جهانی چگونه در راستای سه هدف مرتب شده‌اند. شاخص کلی در راستای هدف نخست یعنی حکمی‌سازی طبق این پژوهش «باورهای آیینی و سیاسی-فلسفی» بوده که مطابق پیشینه مرور شده بیشتر از طریق «ورود به مباحث اجتماعی و بازتعریف نقش طراح» تقویت شده است. در راستای هدف دوم یعنی ارزش‌های میهنی یا بومی‌گرایی، شاخص به دست



جدول ۳. انطباق اهداف سه‌گانه با راهبردهای ابتکاری دانشکده‌های طراحی محور جهان (برخی نمونه‌ها انتخاب شده است.)

اهداف پژوهش	راهبرد	مؤسسه، مکان	مجری	سال
حکمی‌سازی	پرسش نقش آموزش معماری برای یک انقلاب	دانشکده پلی‌تکنیک تورینو	آرمانشهر و انقلاب	۱۹۶۹
	ارتباط فرم‌سازی و نیت با تغییر سیاسی	معماری و شهرسازی دانشگاه سائو پائولو	ویلانوا آرتیگاس	۱۹۶۹-۱۹۶۲
	تأکید بر تغییر نقش معمار در توسعه محدوده‌های دنیا	معماری و شهرسازی دانشگاه کوردبا	تالرتوتال	۱۹۷۵-۱۹۷۱
	بیانیه برای مدل جدید با جنبه‌های اجتماعی و سیاسی	معماری و شهرسازی دانشگاه مکزیک	بیانیه برای مدلی جدید با جنبه‌های اجتماعی و سیاسی	۱۹۷۶-۱۹۷۲
بومی‌سازی	مواجه با میدان	پرینستون	انریکو پرسوتی	۱۹۵۹-۱۹۵۲
	پل زدن میان سازمان‌های محلی و معماری با دانشجویان	دانشگاه پورتو	آلواروسیزا و اس‌ای ای ال	۱۹۷۴
	ترکیب آموزش با پژوهش، موسسات عمومی، و کمپانی محلی	مؤسسه معماری و شهرسازی (پرتغال)	ارنستو ناتان راجرز و همکاران	۱۹۵۲-۱۹۴۷
	نشانه‌گیری برای گفتگو میان مدارس معماری و جوامع محلی از طریق یک پروژه زنده	ای دی/ای ای/پلارک	پیتر موری، سدريک پرایس	۱۹۷۳
	یادگیری با ساختن	مؤسسه پرات	ویتوریو جیورجینی	۱۹۷۹-۱۹۷۱
	نگریستن به شهر همچون آزمایشگاه معماری	دانشگاه برلین و کرنل	اوزوالد متیوس اونگرز	۱۹۷۷-۱۹۶۵
	پیشنهاد مداخله در سایت‌های واقعی		جیان کارلو دکارلو	۲۰۰۳-۱۹۷۶
	فراهم‌سازی همکاری میان معماران، مهندسان، زیست‌شناسان، انسان‌شناسان، و مورخین	مؤسسه سازه‌های سبک در دانشگاه اشتوتگارت (ای ال ای کی)	فرای اوتو	۱۹۹۰-۱۹۶۴
	تشویق همکاری هنرهای بصری و علوم	ام‌ای تی	پیتر بلوسکی و گیورگی کپس	۱۹۶۵-۱۹۵۱
	تشکیل گروه بین‌المللی و میان‌رشته‌ای	مدرسه طراحی اولم (اچ اف جی)	انزو فراتلی	۱۹۶۸-۱۹۵۹
سازماندهی شبکه‌ای از کارگاه‌ها	مؤسسه کاربوندیل ایلینوی جنوبی	باکمیستر فولر	۱۹۷۰-۱۹۵۵	

نیز تلقی شود. با این تعریف می‌توان نمودار یک را در ارتباط اهداف سه‌گانه ترسیم کرد و نتیجه گرفت که نهادینگی دانش دارای ابعاد سه‌گانه حکمی، بومی، و به‌روزسازی به این تعبیر است. حکمی‌سازی با این تعبیر، اشتراکی از سایر اهداف را دربردارد. بنابراین اولویت در میان راهبردها «ورود به مباحث اجتماعی، بازتعریف نقش طراح، و مشارکت سایرین» است که با پیوند قوی دانشگاه با جامعه یعنی «نهادینگی دانش» رخ می‌دهد. با توجه به تجارب بیان شده در جای‌جای جهان می‌توان گفت نقش طراح از «پایین به بالا» بازتاب ارزش‌های آیینی جامعه خواهد شد. این امر در دانشکده‌های طراحی به معنای اولویت توجه بیشتر به طراحی نظام آتلیه تا محتوی دروس است. به بیان دیگر حصول حکمی‌سازی بیشتر با تقویت سبک تدریس، شبکه پیوندهای درون آتلیه شامل پیوند میان دروس، دانشجویان، اساتید با برون آن یعنی آتلیه‌های

باید توجه داشت که اهداف سه‌گانه درخواستی با هم در پیوند و پوشش هستند. حکمی‌سازی خودی (خسروپناه ۱۳۹۰، ۳۰) نوعی بومی‌گرایی با موضع‌گیری و خط مشی دینی-سیاسی با رویکرد اسلامی است که می‌تواند روحانی یا غیرروحانی باشد. تولید علوم انسانی اسلامی از اهداف حکمی‌سازی است. پس به نوعی بومی‌سازی خاص یا مقطعی محسوب می‌شود. ذات بومی‌سازی جهت‌گیری به خود، اهلی شدن، استعمار زدایی یا رهایی از غیر است. ولی می‌تواند محدود به گذشته و خط مشی مذهبی-سیاسی نماند؛ بلکه با نگرش به حال و آینده سازنده، خلاق، و پویا عمل کند؛ از همین رو، زیرمجموعه جهانی یا به‌روزسازی است. به‌روزسازی هم در مولفه‌های حکمی و هم بومی‌سازی مورد نظر نهفته است. یعنی بومی یا حکمی‌سازی بدون جنبه‌روزآمدی در هیچ یک از نمونه‌های جهانی ملاک نبوده است؛ ولی به‌روزسازی می‌تواند غیربومی و غیرحکمی

و مشکلات کشور با چنین پیوندی شدت می‌یابد. بنابراین «نهادینگی دانش» در ایران در راستای اهداف شورای تحول یعنی حکمی، بومی، و به‌روزرسانی با پیوند دانش و حرفه‌های مختلف، اساتید متنوع، دانشجویان سال‌های متفاوت، دانشکده‌های مختلف، سازمان و نهادهای محلی، ورود به مباحث اجتماعی، فناوری روز، پژوهش و نشر صورت خواهد گرفت. راهبردهای بنیادی جدید آموزشی طراحی‌محور معطوف به آتلیه مشارکتی است. این راهبردها با توصیه‌های «نهادینگی دانش» همچون بازآفرینی، تولید مشارکتی، تشکیل گروه‌های تبادل دانش، تولید مش‌گایدها، راه‌اندازی کارگاه‌های آموزشی، تهیه مقالات سیاست‌گذاری، مأموریت خارج سازمان، مشاوره درون و برون سازمانی قرابت دارد. «آتلیه همگرا» در دانشکده‌های طراحی با وجود همه نقدهای آموزشی صورت گرفته از اواسط قرن بیستم، ذات اصلی و جدانشدنی بوده و همچون دگرفضایی پویا عمل کرده که مواجه با دیگری، خلاقیت، دانش، و تفکر را در تولید ایده‌های طراحی به کمک نقد، تحلیل، بحث، تجربه، تعامل، و قضاوت نوید داده است. نظام آتلیه‌ای، آتلیه مشارکتی و همگرا در آموزش طراحی در جهان دربرگیرنده کنشگران هم‌زمان متنوع‌تری نسبت به نظام سنتی است؛ چراکه از یک سو یادگیرنده‌های سال اولی یا تازه کار در کنار یادگیرنده‌های سال‌های دیگر قرار دارند؛ و از دیگر سو اساتید با تخصص و پیشینه‌های مختلف در موضوعات دروس متفاوت در یک محیط که همان آتلیه است دور هم جمع شده و همکاری می‌کنند. در دانشکده‌های طراحی‌محور، مانند معماری و شهرسازی پیوند آتلیه‌ها با برون آتلیه و دانشگاه یعنی سازمان و جوامع محلی از تأثیرگذارترین اقداماتی است که اگر با هدف حکمی‌سازی خودی صورت گیرد، به مفهومی که در این نوشتار بیان شد به سوی بومی و به‌روز شدن نیز حرکت خواهد کرد. در کنار تمهیداتی عمومی مثل کارآموزی، ارتباط با دفاتر و کانون‌های هماهنگی دانش، صنعت و بازار با مدل نهاد میانجی، شهرک‌های فناوری و پارک‌های رشد برای افزایش تأثیر پیوند دانشکده با جامعه، در رشته‌های معماری و شهرسازی تقویت نظام آتلیه‌ای روندی مشارکتی و از پایین به بالا دارای اهمیت و سابقه جهانی است. پیوند میان دروس و میان دروس با حرفه، جامعه و علم جهانی، در بازنگری سرفصل از اولویت‌هاست. ایده نهادینگی دانش در قالب نظام آتلیه‌ای، نشست‌های برنامه‌ریزی شده، بهره‌گیری از مکتوبات اساتید فرهیخته، تأکیدات رویکردی - مهارتی دروس و افزودن منابع مشخصی در قالب سرفصل پیشنهاد می‌شود. جدا از سرفصل، آنچه نیاز به نظارت دارد، شیوه انتخاب استاد و دانشجو، سبک تدریس، نحوه ارائه دروس، رویکرد و مدیریت آموزشی واحدها (الزامی، جبرانی، اختیاری) است.

دیگر، سازمان، و جوامع محلی تسهیل می‌شود. پس با رواج نظام آتلیه‌ای در رشته‌های طراحی و توانمندسازی اساتید با این نحوه آموزش و پیوند اجتماعی نخبگان دانشگاهی در قالب نشست‌هایی فراگیر در تمام سطوح دانشگاهی (پایین به بالا مانند گروه‌های آموزشی و بالا به پایین مانند کرسی‌های سرفصل) می‌توان به هدف اول نائل شد. افزون بر پیشینه کردن تأثیر آموزش و پژوهش به نفع تغییر سیاست‌های جاری جامعه می‌توان ارزش‌های آیینی-میهنی را تا رویکردی جهانی توسعه بخشید. از همین رو رویکردهای دانش بنیان با کمک آتلیه در راستای حکمی‌سازی قابل توصیه است.

## 6. نتیجه‌گیری

هدف از سه رویکرد حکمی، بومی، و به‌روزرسانی در امر آموزش باید مرجعیت یا «نهادینگی دانش» یعنی کاربست آن باشد؛ به شرطی که سبب تغییر و بهبود سیاست‌های اجتماع شود. این مفهوم «نهادینگی یا کاربست دانش» در مدارس معماری و شهرسازی با نظام آتلیه مشارکتی و همگرا، به طور موثرتری به انجام خواهد رسید. پیشنهادات جدید جهت آموزش در مدارس طراحی‌محور دنیا برخاسته از ارزش‌های فکری نوین از جمله نگاه «مشارکتی»، «از پایین به بالا»، «پایداری»، «فرآیندگرا»، «مردم‌گرا»، «میان و چندرشته‌ای عمل کردن» و «تجربه‌گرا» به جای فرم‌گرایی بوده است. تغییر بنیادی نقش و جایگاه طراح، فرآیند طراحی و ابزارهای او با موضوع «نهادینگی دانش» در جهان و «حکمی‌سازی» در ایران همسوست. گرچه مراحل فرآیند آن می‌تواند به شیوه‌های تخصصی برگرفته از حکمت و فلسفه اسلامی باشد. آنچه معماری و شهرسازی ایران زمین به ویژه تا دوران صفویه به آن می‌بالد «معنایی» است که امروز در جهان کمرنگ شده و به کمک نهادینگی دانش ایرانی می‌توان به آن پرداخت.

با توجه به اینکه هسته اصلی معماری و شهرسازی در کنار پژوهش، طراحی است و این نوع از دانش میان علوم دقیقه، هنر، و علوم اجتماعی قرار دارد، پس ضروری است تا فرآیند روش‌های آموزش، پژوهش، و ارزیابی آن جداگانه بازنگری شود. سیاست‌های ستاد و شوراهای انقلاب فرهنگی، رویکرد اسلامی و حکمی‌سازی دروس برای این گروه از برنامه‌های درسی نیاز به بررسی جداگانه دارد. برای اعتلای ارزش‌های بالنده میهنی و آیینی خود در آموزش‌های طراحی‌محور، نهادینگی دانش به معنی پیوند میان دانشگاه و جامعه با تقویت نظام آتلیه‌ای در حین استقلال چنین دانشکده‌هایی در اولویت است. افزایش تأثیر اجتماعی دانشگاه و نقش آن در حل مسائل



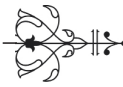
پژوهش به جامعه پیوند قوی‌تری خواهد خورد و عمومی‌تر می‌شود. در بازنگری سرفصل‌ها با هدف حکمی‌سازی، اولویت اصلی پیوند آگاهانه میان دروس، دانشجویان، اساتید، و میان پژوهش‌های ناشی از آن‌ها با حرفه، جامعه، و علم جهانی در فضای نقدی همچون آتلیه است. در این میان ظرفیت هویت ایرانی-اسلامی مبتنی بر قابلیت‌های فلسفه اسلامی می‌تواند مبدع روش‌هایی با بهره‌گیری از مبانی معرفتی و اخلاقی منحصر به فرد خود شود. لازم است تا در پژوهش‌های عمیق‌تر یافته‌های این پژوهش را در انطباق با فرانظریه سلام مطرح شده در مبانی نظری بیشتر تشریح و تکمیل نمود. به‌عنوان مثال، مفهوم مشارکتی به معنای رأی اکثریتی نیست؛ بلکه نظامی برای کشف حقیقت است. همچنین مفهوم از پایین به بالا با ابعاد مهندسی و ویژگی‌های جزئی وابسته به شرایط زمانی و مکانی قابل مطالعه انطباقی است. درحالی‌که بعد معنوی ویژگی‌های کلی، کیفی و از بالا به پایین دارد و غیروابسته به شرایط زمانی و مکانی است.

لازم است تا اساتید فرهیخته و مدیران گروه رویکرد عملی به بومی، حکمی و به‌روزسازی به عملکردهای خود داشته باشند. استفاده از تولیدات دانشی اساتید و دانشجویان کلیه دانشگاه‌ها، پژوهش‌های اشتراکی میان دانشگاه و جامعه به صورت پویا و دور از جانبداری از یک یا چند گروه خواص در برنامه درسی نیز در راستای حکمی-بومی-به‌روزسازی است. بهره‌گیری از اندوخته‌های هر نیمسال در جامعه و نیمسال بعدی قابل اجرا و همسو با نهادینگی دانش است. لازم است تا درباره مفهوم سازی «نهادینگی دانش» ایرانی و تأثیر یادگیری‌ها در متن جامعه پژوهش‌های بیشتری به خصوص در دانشکده‌های طراحی محور صورت گیرد. نشر مقالات تخصصی در نشریه‌ها با ضریب بالای علمی هر چند لازم است اما کاهش فاصله میان نظر و عمل و افزایش تأثیر در سیاست‌های تصمیم‌گیری جامعه به ویژه در حوزه معماری و شهرسازی نیاز به در نظر گرفتن مفهوم و اقدام «حکمی‌سازی» به معنای «کاربست در جامعه» از وجوه سه‌گانه حکمت (نظری، عملی، و صناعی) دارد. هر چه شبکه‌های مرتبط و دقیق‌تری در مسئله پژوهشی دخیل شوند،

### بی‌نوشت

۲۳. Pietro Belluschi  
 ۲۴. Gyorgy Kepes  
 ۲۵. Frei Otto  
 ۲۶. Bruno Rossi  
 ۲۷. (Center for Advanced Visual Studies (CAVS)  
 ۲۸. Enzo Frateili  
 ۲۹. Meta Synthesis  
 ۳۰. در این مقاله تنها برخی نمونه‌ها آورده شده است.  
 ۳۱. تعداد مشارکت‌کنندگان ۱۸ نفر استاد و ۴۵ دانشجو (۱۸ نفر سال اولی، ۱۴ نفر سال دومی، ۱۰ نفر سال سوم، و ۳ نفر دانشجوی دکتری) بوده‌اند (رضایی ۱۴۰۰).  
 ۳۲. کنترل دسته‌بندی‌ها با مشاهده‌گر دیگری صورت گرفت که ۵ دسته‌بندی گزارش شد. این پژوهش ۸ دسته‌بندی به دست آورد که منطبق با همان ۵ دسته بوده و برای سنجش پایایی از شاخص کاپا استفاده شد که درصد توافق در سطح عالی به دست آمد. همچنین با روشی کاربردی و تجربی دانشجویان معماری و شهرسازی طی سال‌های ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۲ در دروس مختلف (بعضاً با همکاری شهرداری منطقه ۱۲، شورابارها و مردم) به طور مشارکتی و همگرا تمریناتی انجام داده‌اند که تحلیل برخی آنها در مقالات دیگری ارائه شده است (رضایی ۱۴۰۲؛ ۱۴۰۰؛ ۱۳۹۷).

۱. Hart  
 ۲. Van De Ven  
 ۳. Johnson  
 ۴. Dellapiana  
 ۵. Aydemi  
 ۶. Colomina  
 ۷. Alvin Boyarsky  
 ۸. vertical studio  
 ۹. Sunwoo  
 ۱۰. Atakan  
 ۱۱. Politecnico di Torino  
 ۱۲. Vilanova Artigas  
 ۱۳. Taller Total  
 ۱۴. Monumento Continuo  
 ۱۵. No Stop City by Archizoom  
 ۱۶. The Mediatory City by Gruppo Strum  
 ۱۷. La Citta Lineare by Zziggurat  
 ۱۸. Enrico Peressutti  
 ۱۹. La Tendenza  
 ۲۰. NER  
 ۲۱. Faculdade de Arquitectura da Universidade do Porto ((FAUP  
 ۲۲. SAAL خدمات پشتیبانی محلی موبایل



## منابع

۱. احمدی نژاد، محمود. ۱۳۹۲. سند اسلامی شدن دانشگاه‌ها. تهران: شورای عالی انقلاب فرهنگی.
۲. باقرزاده خسروشاهی، مهدیه. ۱۳۹۰. راهنمای طراحی شهری پایین به بالا (مفاهمه‌ای). نمونه موردی طرح احداث ایستگاه مرکزی مترو در میدان ساعت تبریز. پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشکده شهرسازی و معماری دانشگاه شهید بهشتی.
۳. خسرویناه، عبدالحسین. ۱۳۹۰. الگوی حکمی-اجتهادی علوم انسانی. جاویدان خرد (۱۹): ۲۹-۶۶.
۴. دانشپور، سید عبدالهادی و زهرا غفاری آذر. ۱۳۹۹. طراحی شهری با رویکرد مشارکت همکاری‌جویانه، از ایده تا طرح؛ مورد پژوهی: میدان هروی تهران. باغ نظر ۱۷ (۸۲): ۵-۲۰.
۵. دیده‌گاه، آرزو، سلاسه شهوازیان، و مهدی تولایی. ۱۳۹۹. مروری بر استراتژی‌های تحرک دانش در سازمان‌های دانش‌محور. مطالعات منابع انسانی ۱۰ (۳۶): ۱-۳۰.
۶. رضایی، محمود. ۱۴۰۰. بسیج دانش، در اعتلای ارزش‌های بالنده میهنی-آیینی (مورد پژوهش: مرور سرفصل ارشد طراحی شهری). در اولین همایش ملی علوم انسانی و حکمت اسلامی. تهران.
۷. رضایی، محمود. ۱۴۰۲. پنج شرط مقدم بر روش‌شناسی برآمده از حکمت اسلامی-ایرانی در معماری و شهرسازی. تهران: اول و آخر.
۸. سامان پور، فرشید، ناصر برک پور و منیژه مقصودی. ۱۳۹۷. خدمات داوطلبانه دانشگاهی در محیط فرارشته‌ای؛ گزارش یک اقدام پژوهی در شهرسازی. مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی ۱۱ (۱): ۳۳-۶۴.
۹. سپهری، یحیی، و عیسی حجت. ۱۳۹۹. نظام آموزش آتلیه‌ای دانشکده هنرهای زیبا، شرح برنامه آموزش طراحی معماری دهه ۱۳۳۰ و ۱۳۴۰ ش. هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی ۲۵ (۲): ۵-۱۵.
۱۰. صیاد، نیما و نوید سعیدی رضوانی. ۱۳۹۹. شارت، روشی برای مشارکت در طراحی شهری. هویت محیط ۱ (۳): ۱-۱۶.
۱۱. طالبی، زینب، فرح حبیب و ایرج اعتصام. ۱۳۹۶. جایگاه علوم اجتماعی در آموزش رشته شهرسازی؛ تحولات و چالش‌های پیش رو. علوم اجتماعی شوستر ۱۱ (۴): ۳۵۱-۳۷۴.
۱۲. لعل بخش، وحید قبادیان و شادی عزیزی. ۱۳۹۹. ارائه مدلی برای آموزش مشارکتی در طراحی معماری در دانشکده های ایران. رهپافتی نو در مدیریت آموزش ۱۱ (۴۲): ۳۱۷-۳۳۸.
۱۳. محمدهاشمی، زهرا. ۱۳۹۶. ارتباط دانشگاه، صنعت، و دولت با تکیه بر نقش نهادهای میانجی (مورد پژوهی: کانون‌های هماهنگی دانش، صنعت و بازار). رهپافت ۲۷ (۶۶): ۷۵-۸۸.
۱۴. نقره‌کار، سلمان، و صدیقه معین‌مهر. ۱۳۹۹. پیشنهاد راهکارهایی برای اثربخشی «آموزه‌های اسلامی بر دروس رشته معماری» نمونه موردی: دروس مقدمات طراحی معماری بر اساس چهار رویکرد مصوب شورای تحول شورای عالی انقلاب فرهنگی) اسلامی‌سازی، بومی‌سازی، کارآمدی، و روزآمدی. پژوهش‌های معماری اسلامی ۸ (۳): ۵۱-۶۷.
۱۵. نقره‌کار، عبدالحمید. ۱۳۹۵. نسبت اسلام با فرآیندهای انسانی فرانظریه سلام: طرح مدلی بنیادی-کاربردی در ساختار، منابع، مبانی، و ارزیابی آثار هنری، معماری و شهرسازی از منظر اسلامی (راهبردها، راهکارها، راه‌حل‌ها، و نقد فرآیندهای انسانی). پژوهش‌های معماری اسلامی، ۴ (۳): ۲۶-۴.
۱۶. نقره‌کار، عبدالحمید. ۱۴۰۱. حکمت اسلامی در خلق آثار هنری معماری و شهرسازی. تهران: سروش.
۱۷. نوریان، فرشاد، و محمود رضایی. ۱۳۸۵. از فکر تا اجرا: برنامه مداخله مردم محله در برنامه‌ریزی و طراحی شهری ICT. هنرهای زیبا (۲۵۸): ۳۵-۴۴.
۱۸. هاشم‌زهی، نوروز، و بهروز میرزا. ۱۳۹۲. تحلیل مقایسه‌ای ارزشیابی دانشگاهیان ایران از برنامه‌های اسلامی‌سازی دانشگاه. سیاست‌های راهبردی و کلان ۱ (۲): ۱۷-۳۶.

## References

1. Ahmadijrad, M. 2013. Islamization Document of Universities. Tehran: Supreme Council of Cultural Revolution.
2. Atakan, G. 2016. A Comparative Analysis of Methods for Triggering "Creative Thinking" in Design Studios. Journal of Humanities and Social Sciences (2): 344-350. doi:10.18844/gjhss.v2i1.317
3. Aydemir, A. 2018. Learning from Pedagogical Experiments. An Alternative Reading of Architectural Design Studio. In J. S. Merina (Ed.), 9th Congress: EURAU18 Alicante: Retroactive Research (pp. 116-122). Alicante: Titulacion de Arquitectura. doi:10.14198/EURAU18alicante.
4. Collection: Architecture Principe (Claude Parent, Paul Virilio). (n.d.). Retrieved from FRAC Centre- val de



Loire: <https://www.frac-centre.fr/en/art-and-architecture-collection/rub/rubauthors-316.html?authID=10>

5. Colomina, B. 2017, Dec 07. Towards a Radical Pedagogy . Retrieved Jun 18, 2021, from YouTube: <https://www.youtube.com/watch?v=pkXA6etknvQ>
6. \_\_\_\_\_, E. Choi, I. Galan, and A. Meister. 2012. Radical Pedagogies. *Architectural Review* 232(1388): 78-82.
7. Dellapiana, E. 2018. Architettura e/o Rivoluzione up at the Castle. A Self-Convended Conference in Turin (April, 25-27, 1969). *Histories of PostWar Architecture* (2): 1-16.
8. Dideh-ghah, A., S. Shahvazian, and M. Tolai. 2019. An Overview of Knowledge Mobilization Strategies in Knowledge-Based Organizations. *Human Resource Studies Quarterly* 10 (36): 1-30.
9. Fuller, B. 1963. *Education Automation: Freeing the Scholar to Return*. Chicago: Southern Illinois University Press.
10. Geiser, R. 2019. The Afterlife of an Exhibition: John Hejduk and the Education of an Architect. *Revista Arquitectura* (21): 10-21.
11. Hart, A., C. Davies, K. Aumann, E. Wenger, K. Aranda, B. Heaver, and D. Wolf. 2013. Mobilising Knowledge in Community-University Partnerships: What does a Community of Practice Approach Contribute? *Contemporary Social Science* 8 (3): 278-291.
12. Hashem Zahi, N, and B. Mirza. 2013. A Comparative Analysis of Iranian Academics' Evaluation of University Islamization Programs. *Strategic and Macro Policy* 1 (2): 17-36.
13. Khosrupanah, A. 2011. The Ruling-Ijtihad Pattern of Human Sciences. *Javidan Khard* (19): 29-66.
14. Kronic, D. 2013. *The Groundscraper: Candilis Josic Woods and the Free University Building in Berlin*. Berlin: ARRIS.
15. Mohammad Hashemi, Zahra. 2017. The Relationship among University, Industry and Government with Emphasis on the Role of Intermediary Institutions (Case Study: Coordination Centers of Knowledge, Industry and Markets). *Rahyaft* 27 (66): 75-88
16. Noghrehkar, A. 2016. The Interrelation Between Islam and Human Processes Theory of (Salam) Strategies, Guideline, And Solutions for Creating and Evaluating Art Works, Architecture and Urbanism. *Researches in Islamic Architecture* 4(3): 4-26.
17. \_\_\_\_\_. 2022. *Islamic Wisdom in Creating Art Works, Architecture and Urbanism*. Tehran: Soroush.
18. Noghrehkar, S., and S. Moeinmehr. 2020. Suggest Solutions for the Effectiveness of "Islamic Teachings on Architecture Courses" Case Study: Architectural Design Basics Courses Based on the four Approaches Approved by the Transformation Council of the Supreme Council of Cultural Revolution (Islamization, Localization, Efficiency and Updating). *Researches in Islamic Architecture* 8 (3): 51 -67.
19. Noorian, Farshad, and Mahmud Rezaei. 2006. From Vision to Implementation: People Participation in Urban Planning and Design with Using ICT. *Journal of Fine Arts* (258): 44-35.
20. Rancière, J. 1987. *Le Maître ignorant: Cinq leçons sur l'émancipation intellectuelle*. Paris: Fayard.
21. Rezaei, M. 2021. Knowledge Mobilization in Improving National and Ritual Values (Case Study: Reviewing the Curriculum for Master of Urban Design in Iran). *The First National Conference of Humanities and Islamic Wisdom*. Tehran.
22. \_\_\_\_\_. 2021. Reviewing Design Process Theories: Discourses in Architecture, Urban Design and Planning Theories. Cham: Springer. doi:10.1007/978-3-030-61916-9
23. \_\_\_\_\_. 2023. *Five Prerequisites for Methodology Arising from Islamic-Iranian Wisdom in Architecture and Urban Planning*. Tehran: Aval-va-Akhar.
24. Sunwoo, I. 2013. Between the 'Well-Laid Table' and the 'Marketplace': Alvin Boyarsky's Experiments in Architectural Pedagogy.
25. Van De Ven, A. H., and P. E. Johnson. 2006. Knowledge for Theory and Practice. *The Academy of Management Review* 31 (4): 802-821.
26. Sepehri, Y., and I. Hojjat. 2020. Atelier Education System in Tehran Faculty of Fine Arts: The Curriculum of Architectural Design in the 1950s and 1960s. *Journal of Fine Arts-Architecture and Urbanism* 25 (2): 5-15.





## Recognition of the Islamic-Iranian architecture principles in the traditional home According to Islamic Principles

Mahmud Rezaei

Email: mahmud.rezaei@iau.ac.ir (Corresponding Author)

Associate Professor, Department of Architecture, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Received: 1402/05/01

Accepted: 1403/03/11

### Abstract

The article seeks a meaningful relationship between design-oriented academic courses in Iran, such as architecture and urban design courses, and three normative characteristics namely “Islamization”, “indigenization” and “up-to-dating” as a standard imparted by the Cultural Revolution Development Council in Iran. For this, the article uses ‘Knowledge Mobilization’ (KM) as a key global concept to apply those three qualities. Knowledge Mobilization means more application of knowledge or better use of it, which means reducing the distance between theory and practice. Four steps are recommended in improving the quality of research and increasing its impact in the society:

1. Ground the research question or problem in concrete and observable phenomena in order to appreciate and situate its multiple dimensions and manifestations.
2. Develop plausible concepts and models that represent the main aspects of the observed phenomena and that thereby provide a base for new theories to address the central research question.
3. Use appropriate methods to design the research and obtain empirical evidence of the concepts and plausible models for examining the question about the phenomenon being examined.
4. Apply and disseminate the research findings to address the research question from the perspectives of different academic and practitioner users (Van De Ven & Johnson, 2006, p. 810)

Examining the impact of this global concept with common initiatives in Iran with the titles of efficiency, Islamic, ruling, local and modernization has not been compared so far. Also, in intermediate knowledge, for example, between the disciplines of art, technical sciences, humanities and social sciences, such as the disciplines of architecture and urban planning, which have a “design-oriented” nature, the distinction of this concept and its application has not been made much either in the world or in Iran. These fields of academia include workshops and studio course formats which makes them totally apart from the other disciplines. The research thus aims to find more effective methods to apply the norms into



the courses.

The relationship between the educational system, the experts or professional environment and the organizations related to urban management and most importantly the residents and the people can enrich the employment, development and participation. Also, the free presence of academics, professors, and students can introduce world literature and theories to the people with representative planning and implement scientific dimensions. In this way, establishing a relationship between the university and the profession causes employment and more efficiency of students' activities, and their efforts are prevented from being wasted (Noorian and Rezaei, 2015).

Abdolhamid Noghreh-kar has shown that the relationship of "Islamic wisdom" with human processes, including the creation of works of art, architecture and urban planning, has five stages (idea, motivation, method, product, effect). Each stage has its sources and foundations, which identifies the direction, goals and results of the whole process. Therefore, the realization of a new civilization with an Islamic-Iranian identity cannot be an imitation of the current situation, the past or other civilizations. Rather, each stage should choose its sources from the Islamic school, i.e. Islamic beliefs and teachings, rulings, ethics, and Ijtihad solutions. According to his "Theory of Salam", every architectural work can be evaluated from two spiritual and engineering dimensions - each in six factors. The spiritual dimension has general, qualitative and top-down characteristics, timeless and placeless conditions. But engineering dimensions have minor features, slightly from bottom to top and interrelated to time and place conditions. According to this theory, every architectural work goes through five stages of creation and in each stage it can be evaluated according to six factors. Out of these five stages of creation, three are knowledge and insight, intention and motivation, the practical method related to the architect. The fourth step is the architectural effect itself and the fifth step is its effect on the audience. Therefore, in evaluating works, all five stages should be measured with six spiritual factors and six engineering factors. This theory was proposed to explain the road map of modern Islamic civilization in the working group of art, architecture and urban planning (Naghrekar, 1401; 1395).

The research method is a combination of in-depth interviews and theoretical saturation. First, the texts related to "Knowledge Mobilization" as well as "Experiences in teaching these disciplines" from the 1950s have been reviewed and strategies have been extracted. Accordingly and based on the three fundamental characteristics of the aforementioned council, the coding content has reached theoretical saturation with the participation of professors and students. It has been determined that Islamization includes localization and up-to-dating goals. To achieve those three, "Knowledge Mobilization" is vital, which is accelerated with the help of "Studio". The link between courses, courses with the profession, society and global science is one of the priorities in the revision of the pedagogy. The relationship of "Islamization" with the designer's social role; "indigenization" with the link between the studio and the society; "up-to-dating" with the cooperation between designers and other professions, the use of modern technology, the publication of texts and the establishment of more research centers. The idea of mobilization of knowledge in the form of a workshop system, planned meetings, use of professors' publications, skill approaches of courses is proposed in the form of pedagogies. The article highlights that the purpose of the Islamization, indigenization and updating in the matter of education should be "Knowledge Mobilization", i.e. production, publication, exchange of knowledge, provided that it causes change and improvement of society's policies. This mobilization of knowledge in schools of architecture and urban design will take place with a more effective studio format of teaching.

**Keywords:** Education and learning system, knowledge mobilization, Islamization, indigenization and Rectification, curriculum, architecture, urban design and planning, pedagogy

